



موضوع اشتغال همواره یکی از دغدغه‌های اصلی کشورمان است حتی کشورهای توسعه‌یافته که دارای رشد اقتصادی بالایی هستند، همواره آن را به‌عنوان یکی از چالش‌های پیش روی خود در ایجاد ثبات همه‌جانبه در کشور و حفظ رضایت عمومی می‌دانند. از همین رو ایجاد اشتغال و از میان بردن بیکاری بویژه بیکاری جوانان یکی از شعارهای اصلی دولت‌هاست، دولت تدبیر نیز ایجاد اشتغال و کاهش میزان بیکاری را به‌عنوان یکی از اهداف اصلی خود مورد تأکید قرار داده است. ضمن آنکه در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، تک‌رقمی شدن نرخ بیکاری و کاهش آن به‌عنوان مسائل اساسی کشور برای دستیابی به توسعه مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. قطعا امسال هم به چالش بیکاری روبه‌رو خواهیم بود. چالشی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، بزرگ‌ترین چالش است و بحران‌های ناشی از آن در صورت کنترل نکردن آن سال‌ها گریبانگیر کشور خواهد بود. اشتغال و بازار کار به دلیل ارتباط جدی‌ای که با جنبه‌های انسانی مهم‌ترین بخش توسعه دارد، در آینده برنامه‌ریزی توسعه از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد اوج ورود جمعیت به بازار کار در سنین ۲۹-۱۵ سال است. جمعیت این گروه سنی در کشور ما تا سال آینده رو به

افزایش خواهد بود که این پتانسیل افزایش نرخ بیکاری جوانان را به همراه خواهد داشت. بررسی نرخ مشارکت و بیکاری کل کشور نشان می‌دهد نرخ مشارکت زنان، مردان و کل جمعیت در این مدت به آهستگی افزایش یافته که علت اصلی این افزایش تغییر ساختار سنی جمعیت است. موج بزرگ جمعیت که در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ شکل گرفت، در سال‌های کنونی در سنین ورود به بازار کار قرار گرفته‌اند. براساس برنامه فرایضی سند توسعه اشتغال و کاهش بیکاری، هر سال باید حدود ۵ میلیون نفر شاغل شوند. بنابر گزارش اقتصادی سال‌های گذشته کشور، در طرف تقاضا عواملی چون محدود ماندن نرخ رشد بخش‌های مختلف اقتصادی، نرخ پایین انباشت سرمایه، پیدایش فناوری‌های جدید و جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار ناشی از پایین بودن هزینه سرمایه نسبت به هزینه نیروی کار، موجب فشار بیکاری بر بازار کار کشور شده است. در حالی که میزان تقاضا برای نیروی کار همپای عرضه رشد کرده است و همین مساله به رشد قابل توجه نرخ بیکاری در میان جوانان، زنان و افراد تحصیلکرده منجر شده‌است. امروز بیکاری چهره جدیدی یافته و ویژگی‌هایی ممتاز از ویژگی‌های بیکاری دهه‌های گذشته دارد. در حال حاضر بیکاری زنان به‌عنوان بعد جدیدی از پدیده بیکاری، به بحران بیکاری موجود در کشور افزوده شده است. پیش از هر چیز

گام‌های خودتحریمی در روزگار پسابرجام

مالک شیخی‌زازانی^۱ در طول تاریخ ستیزه‌جویی دولت آمریکا، استراتژی بانکی‌ها در مقابل کشورهای قدرتمندی مانند ایران، هیچ‌گاه فتح یکباره و حمله سریع نبوده است. همانگونه که در ۸ سال دفاعمقدس نیز تجربه کردیم، برای فتح تهران ابتدا از محاصره آبادان، خرمشهر و شهرهای مرزی شروع می‌کنند نه از قلب کشور. در موضوعات جنگ نرم نیز همین استراتژی قابل مشاهده است، به عنوان مثال در حوزه مد و لباس، چنانچه یک بررسی کوتاه داشته باشیم پروژه بی‌حجابی ابتدا در برداشتن چادر و جایگزین کردن مانتوهای بلند به جای چادر شروع می‌شود تا این تلاش‌ها، به وضعیت اسفناک حجاب در جامعه امروز مبدل شود. درباره محاصره اقتصادی نیز وضعیت کشور با همین استراتژی از سوی آمریکا و اروپا دنبال می‌شود. برخلاف آنچه دولتمردان در معرفی برجام ابراز داشته و آنرا جایگزین تحریم‌ها معرفی می‌کنند، به نظر می‌رسد «برجام» نیز خود بخشی از ادامه مسیر تحریم‌ها بوده و نه جایگزین آن به بطوری که این روزها مسؤولان دولت تلاش‌ها، به جمع دلپایسان پیوسته‌اند و خود نیز شاکه آشی شده‌اند که برای ملت خفته‌اند، چرا که برجام نه‌تنها تحریم‌ها را لغو نکرد بلکه دیگر کشورها را نیز نسبت به همکاری با ایران مردد کرد. موضوعی که تلویحا توسط آقای روحانی، رئیس قوه مجریه کشور در نشست اخیر سازمان ملل و مصاحبه با شبکه NBC به آن اشاره شد. اما در ادامه پروژه محاصره اقتصادی ایران، دشمن که با موضع‌گیری‌های طرف ایرانی، آستانه تحمل دولتمردان «تدبیر و امید» را در حد پرتاب یک خود کار و فشارهای ایمیلی ارزیابی کرده است، قصد دارد تحریم‌ها را به دست خود دولتمردان و با امضای آنها مشروعیت بخشد. جریانی که از FATF شروع شده و در روزهای اخیر با چند مورد دیگر نیز پیگیری می‌شود. گویی دشمن به مدلی دست یافته که به واسطه آن گام به گام به قلب اقتصاد ایران ضربه بزند. یکی از این موارد فروش هواپیماهای بوئینگ و ایرباس به ایران است که وزارت خزانه‌داری آمریکا، فروش بوئینگ و ایرباس به ایران را مشروط به این کرده که این هواپیماها به افراد و نهادهای ایرانی تحت تحریم آمریکا خدمات ندهند. با توجه به اینکه روزنامه‌های اطلاعات، دفاع و فرهنگ و ارشاد، سازمان صداوسیما، سیاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۱۸۲ فرد و نهاد ایرانی دیگر تحت تحریم آمریکا هستند، چنانچه طرف مقابل گمان ببرد این هواپیماها در اختیار این سازمان‌ها و افراد قرار گرفته، در هر فرودگاهی امکان داشته باشد، این هواپیماها را متوقف و ضبط خواهد کرد. ادعای وزارت خزانه‌داری آمریکا به این معناست که دولت تدبیر و امید پذیرفته است این نهادها و افراد به دلایلی که آمریکایی‌ها مدعی هستند، محکوم بوده‌وقدر به ارائه خدمات هوایی

تأملات

کنترل بیکاری نیازمند کار کارشناسی است

چرا کسی فکری نمی‌کند؟

■ دکتر مینم‌پاشایی ■

باید توجه داشت بیکاری حاصل برآیند و تعامل عوامل و نیروهای اقتصادی و غیراقتصادی متعددی است که برای درک دلایل وجودی آن باید به صورت همه‌جانبه و با در نظر گرفتن تمام متغیرها همچنین تمام تعاملات میان آنها مساله بیکاری را مورد کنکاش قرار داد و کنترل آن نیازمند کار کارشناسی است. بر این اساس اگرچه در مباحث زیر تأکید ویژه‌ای بر موضوع‌های اقتصادی صورت گرفته‌اما هر گز به معنی کم‌اهمیت دانستن جنبه‌های حقوقی، فرهنگی، سیاسی و… معضل بیکاری نخواهد بود و بدیهی است برای چاره‌جویی آن باید از دیگر جنبه‌های ممکن نیز مساله را با صاحب‌نظران مربوط، مورد بحث و بررسی گذاشت. به‌طور خلاصه عمده‌دلایل بروز ابعادنگران‌کننده بیکاری در کشور را می‌توان به این شرح برشمرد:
۱- رشد شتابان و سریع جمعیت کشور در دهه نخست انقلاب اسلامی که به‌تبع آن جمعیت فعال کشور در دوره فعلی بشدت افزایش یافته و موجب مازاد عرضه قابل توجهی در بازار کار شده است.
۲- برای کاهش آثار نگران‌کننده افزایش عرضه نیروی کار در دهه گذشته راهکار تأخیر در ورود به بازار کار از طریق افزایش تعداد دانشجویان در مراکز آموزش عالی کشور به کار گرفته شد تا زمان بیشتری برای برنامه‌ریزی و مدیریت منابع انسانی فراهم شود اما در فرصت پدیدآمده، بر خورد ریشه‌های با مشکل صورت گرفت و در نتیجه موج جدید عرضه نیروی کار با شدت بیشتری نمایان شد.
۳- افزایش شمار فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی موجب تمایل بیشتر افراد فعال برای فرصت‌های شغلی شد. این مهم بویژه با افزایش نرخ مشارکت زنان بر فشار عرضه در بازار کار دامن زده است.
۴- به دلیل وابستگی به وارددهای سهل‌الوصول نفتی، بخش دولتی که از سال‌های پیش از انقلاب گسترش یافته بود این روند را همچنان ادامه داد و تحولات سال‌های دفاع‌مقدس نیز مانع اصلاح بموقع آن شد، به‌گونه‌ای که تعداد کارکنان دولت بدون تناسب و بیش از وظایف آن رشد یافت. برنامه‌های تعدیل، واگذاری و خصوصی‌سازی نیز در بهبود اوضاع و کار آیی نیروهای دولتی چندان توفیق نیافت.
۵- به دلیل موقعیت مسلط دولت در بازار کار و جاذبه‌های کاذب مشاغل دولتی، فرهنگ کار و فعالیت توسط بخش خصوصی بشدت صدمه دید و انگیزه‌های رشد و پویایی برای سرمایه‌گذاری خصوصی تقلیل یافت.
۶- همزمان با اتلاف سرمایه در کشور، فرآیند

خروج سرمایه نیز قوت یافت و در نتیجه اقتصاد ملی بیش از پیش از سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌زا و آثار فراینده بعدی آن محروم ماند.
۷- محیط کسب و کار و فعالیت اقتصادی در کشور به دلیل ناکارآمدی دیوانسالاری دولت، مشکلات مختلفی را در مراحل اداری، اجرایی، نظارتی و… بر سر راه تولیدکنندگان و کارآفرینان اقتصادی ایجاد می‌کند و خود یکی از معضلات اصلی در انحراف منابع و سرمایه‌های تولیدی است. عدم ثبات و نوسان بسیار در نحوه برقراری مناسبات و روابط تجاری و سیاسی که لازمه حضور مستمر در بازارهای جهانی و بهره‌مندی تولیدات داخلی از مزایای بازرگانی خارجی و صادرات است.
۸- تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری و بازرگانی که به افزایش ریسک تجاری کشور و عدم برخورداری تولیدات داخلی از فناوری‌های مدرن، به‌روز و قابل رقابت منجر شده است.
۹- تأثیرپذیری شدید طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی از تحولات در دهه‌های مدیریتی و اجرایی و دیدگاه‌های گاه متغوات مسؤولان و متولیان آن در دوره‌های متوالی که در برخی موارد کارآیی و اثربخشی و حتی توجیحات اقتصادی پروژه‌ها را از بین می‌برد.
۱۰- نبود چشم‌انداز مطلوب و مناسب برای بازار کار و نبود برنامه‌های راهبردی و استراتژیک بلندمدت.
۱۱- رویکردهای کوتاهمدت و ضربتی برای اشتغال‌زایی و عدم انجام مطالعات کارشناسانه و دقیق درباره آثار و پیامدهای احتمالی آنها از جمله توزیع اعتبارات دارای رانست و ارزان‌قیمت دولتی که در ابعاد وسیعی در حال جایگزینی با منابع بخش خصوصی است و بسیاری مترصد دسترسی به آن هستند.
۱۲- ضعف در بازار سرمایه و عدم کفایت و رشد آن متناسب با بخش حقیقی اقتصاد به‌گونه‌ای که بازار بورس نقش ناچیزی در تأمین مالی طرح‌های اقتصادی داشته و بازار پول نیز به دلیل سطح و انحصار بانک‌های دولتی کارآیی لازم را ندارد. در مجموع به نظر می‌رسد تا زمانی که تولید از رونق کافی برخوردار نباشد و محصولات داخلی کشور نتوانند در آزمون رقابت شدید جهانی سربلند شوند ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار قابل تحقق نخواهد بود و انتظار کاهش قابل توجه نرخ بیکاری و نزدیک شدن به اشتغال کامل دور از ذهن است.

■ راهکارهای اساسی کاهش بیکاری

۱- اصلاح سیاست‌های اقتصادی کشور با محور قرار دادن مساله بیکاری و ابعاد آن در کشور جهت

افزایش تقاضای کل؛ بدین منظور تأکید بر اصلاحات ساختاری در اقتصاد بویژه در پیوند با سرمایه‌گذاری و تولید از جمله توجه کافی به بازار سرمایه، اصلاح ساختار مالیاتی و رشد صادرات ضرورت پیدا می‌کند
۲-بازنگری همه‌جانبه مجموعه قوانین ناظر بر روابط کار و تولید که بویژه بر بخش رسمی و مدرن اقتصاد کشور مؤثر است.
۳- تسریع و شتاب بیشتر در اجرای طرح‌ها بویژه طرح‌های نیمه‌تمام.
۴- اولویت دادن به اجرای طرح‌های اشتغال‌زا که توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود.
۵- ادامه اجرای سیاست‌های کنترل و تثبیت جمعیت و تسریع در اجرای سیاست‌های معطوف به توسعه مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته برای جلوگیری از مهاجرت نیروی کار فعال به شهرهای بزرگ.
۶- اصلاح نگرش و انتظارات جویندگان کار از طریق اتخاذ تمهیداتی برای کاهش نابرابری ارزشی موجود بین مشاغل، نقش‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی، برای اصلاح انتظارات جویندگان کار و نقش رفتاری آنها در بازار.
۷- ایجاد پایگاه اطلاعاتی مناسب جهت شناخت ابعاد و ساختار بیکاری کشور برای آگاهی از تغییرات به عمل آمده و پیش‌بینی وضعیت و آینده.
۸- اجرای سیاست‌های فعال بازار کار برای مقابله با بیکاری در چارچوب طرح‌های فعال که باید با همکاری سازمان‌های حمایت‌کننده از بیکاران به اجرا درآید.
۹- اجرای سیاست‌های تنظیم بازار کار برای ایجاد تعادل در بازار کار ایران از جمله ایجاد انعطاف در زمان کار با به رسمیت شناسختن و به مورد اجرا درآوردن کار موقت و کار نیمه‌وقت و…
۱۰- شکل دادن به بخش دانش در گروه‌های مختلف فعالیتت، حمایت از تغییرات سازمانی و اصلاح قوانین و مقررات در جهت سازگاری آنها با توسعه علم و فناوری.
۱۱- گسترش تحقیق و توسعه کیفیت در فعالیت‌های اقتصادی. جهت استفاده از فناوری‌های پیشرفته در تولید به منظور فراهم کردن شرایط حضور در بازارهای جهانی و افزایش تقاضای خارجی برای محصولات و خدمات کشور.
۱۲- اقدامات اساسی برای افزایش بهره‌وری نیروی کار از قبیل ایجاد ارتباط بین نظام آموزشی و بازار کار، با بردن سطح کیفی نیروی کار، کاهش عدم انطباق بین شغل و مهارت نیروی کار، تسریع در تعدیل نیروی انسانی مازاد فعالیت‌های دولتی و جایگزینی نیروی انسانی متخصص و به‌روز کردن دانش مدیران و اصلاح شیوه انتصاب و ارزیابی آنها.

■مدرس دانشگاه

اشاره

هزینه‌های تمدید را چه کسانی باید بدهند؟

حسن روانشید^۱: هر آنچه از آغاز سال ۹۲ به دوش مردم تحمیل شده و تاکنون ادامه یافته، چیزی نیست جز هزینه تکرار تاریخ که یکی با شعار سردار سازندگی و دیگری با عنوان زنده‌باد دشمن من و سوسمی با کلام تدبیر و امید به سوی جامعه آمدند و هر کدام پس از چندی شعارهای خود را از یاد برده و به راهی رفتند که از ناکجا‌بابا سر درآورد در دوران طلایی پس از پایان دفاع‌مقدس، هم مردم ناگزیده‌تر بودند و هم آلودگی‌های اقتصادی کمتر، در این فاصله دروازه‌ها به روی منفعت‌طلبانی که طعم جنگ نابرابر را نجشیده بودند باز شد و در اندک زمان کنسانی که هیچ‌گونه سهمی در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و پیروزی دفاع‌مقدس نداشتند خود را به کارهای کلیدی و اقتصادی کشور چسباندند و هر آنچه توانستند زالوار آن را مکیندند؛ از تسهیلات بانکی به نحو نامطلوب سوءاستفاده کرده و برای بازگرداندن اصل آن نیز شعبده‌بازی راه انداخته و نهم‌نم غریبم درآوردند؛ بعضی‌ها هنوز هم اصل و فرعی را بدهکارند؛ آنها ۴ سال اول را به نرمی می‌گذرانند و تا توانستند سفرها انداختند و رضایتمندی تراشیدند تا بتوانند از فیلتر ۴ سال بعدی راحت بگذرند؛ نیمه دوم بازی را سرسرمیران اداره می‌کنند، در این راند، دیگر خبری از آن بذل و بخشش‌ها نبود، چراکه بازی سیاسی نیمه سوم ندارد و باید هر آنچه در میخذه می‌دهد برای اجرا وی کاغذ آورد، بنابراین شمشیر را از رو بسته و یکصدوشستاد درجه تغییر ماهیت می‌دهند؛ این بدعت نابجا، برداشتی ناسیانه از سیاست‌های غرب بود و چنان به کام بعضی خوش آمد که به سنت تبدیل شد و ادامه یافت و این استمرار با خود هزینه‌های سنگینی به دوش داشت و بالطبع این مختراج روی حرام جامعه‌ای بود که نمی‌خواست و هر گز نمی‌خواهد چشم پلشتان غرب را شامدان ببیند؛ اما توان و تحمل اقتصادی و فرسایش نیز حد و حدودی دارد. فنر را اگر زیادتر از مقاومتش بکشند قطعاً پاره خواهد شد، بنابراین ادامه این فشار مضاعف می‌تواند جسم و روح جامعه که همه انرژی خود را از دست داده مضطل کند.

روند ۳ سال گذشته درس بزرگی بود برای مردم تا به مقایسه دولت‌ها بپردازند، سعی کنند حواسشان جمع باشند از یک سوراخ چند بار گزیده نشوند و به آنچه عقل و تدبیر و حکمت‌شان می‌گوید عمل کنند. آنها بویژه دولت‌های پنجم و ششم، هفتم تا دهم را به یاد دارند که چگونه در راند دوم تغییر یافته و آنچه را گفته بودند ندانیده گرفتند و مشغول زدن گل به دروازه ملت شدند؛ در حالی که هزینه تمدید حضور آنها را همین مردم از جیب خالی خود پرداخت کرده بودند و در حقیقت هر آنچه داشتند برای حضور مجدد آنها در سبید اخلاص گذاشته، تقدیمشان شده بود. همیشه ۶ ماهه آخر هر دولت در ۴ سال اول با طول آن مغایرت آشکاری داشته و در این زمان سعی بر «چت» کردن با احاد ملت می‌شود؛ بعضی بی‌قانونی‌ها نادیده گرفته می‌شود و عدم اجرای بعضی مصوبات مجلس و ارائه لایح جدید تنش را به تأخیر می‌اندازد و این نوعی خریدن زمان است؛ باید آگاه بود برای حمایت از یک گروه یا جناح، طول حضور و خدمات صادقانه و بدون انتظار آن را در نظر داشت نه آنچه در ۶ ماهه پایان دوره ارائه می‌دهد که سرایی بیش نیست؛ در این فرجه کم و زمان کوتاه پایانی تخته‌ها شروع می‌شود و باز هم دولت‌های قبل دنبال نیش قیر می‌گردند تا در حاشیه آن بتوانند کارهای نه‌چندان بزرگ و مؤثر را آگراندیسمان کنند؛ آقای وزیر راه و شهرسازی باید بلداند حرف‌هایش پیرامون مسکن‌مهر همواره در طول ۳ سال گذشته نوعی غرض‌ورزی آشکار بوده نه انتقاد از اجرای یک پروژه؛ این طرح عظیم و بسججی‌گونه اگرچه معضلات و مشکلات خود را داشته ولی توانسته قدمی بزرگ در راه خانه‌دار شدن اقشار کم‌درآمد و کنترل بازار مسکن را به ارمان آورد. شما در مجلس برای دریافت رأی اعتماد، تلویحا مسکن‌مهر را تایید می‌کنید اما قبل و بعد از آن، این پروژه موفق را پوپولیستی، مزخرف، بعب، ضایعه و این روزها فاجعه‌ای همچون جنگ یمن و سوریه می‌خوانید؛ بالاخره شما کدام طرفی هستید؟ بگویید که مردم تکلیف‌شان را برای طی از اردیبهشت‌ماه ۹۶ بلدانند؛ اگرچه مسکن‌مهر با بی‌مهری شما متروم شده اما هنوز هم ارزان‌ترین واحدهای مسکونی در سطح کشور است.

[@vatanerooz](#)

